

علم أصول الفقه

٢٢-١٢-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٦٣

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

آیات دال بر عصمت

- انبیا از هدایت مستقیم الهی برخوردارند، بنابراین مصداق کامل هدایت شدگانند و این نکته‌ای است که به حکم عقل به دست می‌آوریم.
- غیر از این آیات، آیات دیگری هم بر عصمت پیامبران دلالت دارند که تفصیل آن مجال دیگری می‌طلبد.

آيات دال بر عصمت

- . بقره، ۲۱۳.
- . طه، ۵۲.
- . ر.ک: محمد حسين الطباطبائي، الميزان، ج ۲، صص ۱۳۸ - ۱۳۹.
- . جن، ۲۶ - ۲۸.

آیات دال بر عصمت

- . علامه هنگام تمسک به آیات سوره ی جن می فرماید: و يدل على العصمة عن الخطا ايضا قوله تعالى: «عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احد...». مقصود از عصمت از خطا به قرینه ی ابتدای بحث که فرمود: آیات قرآن عصمت را در سه چیز اثبات می کنند، عصمت از خطا در دریافت و ابلاغ وحی است.
- . مریم، ۶۴.
- . ربک: محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، صص ۱۳۹ - ۱۴۰.
- . انعام، ۹۰.
- . ربک: محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۴۰.
- . احقاف، ۳۵.
- . زمر، ۳۷.
- . کهف، ۱۷.
- . هدایت و ضلالت به یک معنایی از ناحیه ی خدا است و هیچ چیز از قدرت الهی خارج نیست. اما هدایت انبیا یک هدایت خاص و ویژه است.

آیات نفی عصمت

- گروهی با استناد به برخی آیات قرآن، گمان کرده‌اند قرآن بر عدم عصمت حضرت صلی الله علیه و آله دلالت دارد.
- ما در این مختصر به آیات مهم اشاره و پاسخ علامه طباطبائی را در مورد آنها ذکر می‌نماییم:

آیات نفی عصمت

- أ. «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (التوبه ۴۳)»
- [خدایت ببخشاید، چرا پیش از آن که (حال) راستگویان بر تو روشن شود و دروغگویان را بازشناسی، به آنان اجازه دادی؟]

آيات نفي عصمت

- انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٤١) لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَا تَبِعُوكَ وَ لَكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (٤٢) **عَفَا** اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (٤٣) لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَ اللَّهِ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (٤٤) إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (٤٥) وَ لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَ لَكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَ قِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ (٤٦) (التوبة ٤١-٤٦)

آیات نفی عصمت

- برخی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله تقاضا کردند اجازه دهد در جنگ شرکت نکنند، حضرت به آنها اجازه داد. در این موقع آیه‌ی فوق نازل شد.

آیات نفی عصمت

- برخی به استناد این آیه گفته‌اند: اجازه دادن پیامبر، خطایی بود که از حضرت رخ داد و خداوند با این آیه دو مطلب را گوشزد نمود:
- ۱. کاری که کردی اشتباه بود و نباید به آنها اجازه می‌دادی؛ عبارت لم اذنت بر این مطلب دلالت دارد.
- ۲. با این که این کار استحقاق عقاب داشت، خداوند تو را بخشید؛ عبارت عفا الله عنک بر این مطلب دلالت دارد.
- این گروه نتیجه گرفته‌اند: امکان ارتکاب به خطا بلکه ارتکاب به معصیتی که استحقاق عقاب دارد، برای حضرت هست.

آیات نفی عصمت

- علامه در مقابل این استدلال می‌فرمایند:
- عبارت «عفا الله عنک» دعا است، نه اخبار. خداوند نمی‌خواهد از عفو‌ی که در پی استحقاق عقاب حاصل شده، خبر دهد، خداوند در حق پیامبر خویش دعا می‌کند که خداوند تو را رحمت کند و بیامرزد.

آیات نفی عصمت

- عبارت «لم اذنت لهم» نیز در صدد سرزنش پیامبر نیست. خداوند با این عبارت و عبارت بعد از آن که دال بر هویدا شدن چهره‌ی بهانه‌گیران است، به پیامبرش می‌گوید: اگر تو به آنها اجازه نداده بودی، راستگویان و دروغگویان مشخص می‌شدند؛ کسی که ادعا می‌کند: «ما دلما می‌خواهد با تو بیاییم و تو را همراهی کنیم»، در صحنه‌ی مبارزه شناخته می‌شود و اگر تو به آنها رخصت نداده بودی، همین مقدار کافی بود که آنها خودشان را مفتضح گردانند؛ ولی تو به همین ظاهر که عذر خواستند، اعتنا کردی و فرصت شناخته شدن را به آنها ندادی.

آیات نفی عصمت

- از این رو، در آیه‌ی بعد خداوند می‌فرماید: کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، در جهاد با مال و جانشان از تو عذر و اجازه نمی‌خواهند و خدا به (حال) تقوا پیشگان دانا است.

آیات نفی عصمت

- آنها که نزد پیامبر آمدند، به ظاهر مسلمان بودند و به ظاهر از حضور در جبهه عذر داشتند. قواعد و احکام اسلامی اقتضا می‌کند اظهار کنندگان اسلام، مسلمان تلقی شوند و کافر یا منافق به حساب نیایند و اگر عذری دارند، عذرشان پذیرفته شود. بنابراین رخصت حضرت خلاف قاعده نبوده است.

آیات نفی عصمت

- خداوند در توصیف چنین پیامبری می‌فرماید: خدا پیامبر را پیامرزد. دعای خداوند بیانگر این است که پیامبر، پیامبر رحمت است؛ با آنان که برای حضور در جنگ عذر می‌آوردند، برخورد نمی‌کند و آنان را از آوردن عذر منع نمی‌نماید.

آیات نفی عصمت

- همچنان که در جای دیگر نیز می فرماید: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلٌّ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (التوبة ۶۱)» [پیامبر گوش خوبی است]؛ با آن که می داند و از باطن افراد با خبر است، آنها را تکذیب نمی کند. پیامبر می دانست که اینان اهل ایمان نیستند، اما باز با رخصت خویش نگذاشت عدم ایمانشان بر همگان هویدا گردد.

آیات نفی عصمت

- بنابراین مقصود از آیه این نیست که ای پیامبر وظیفه‌ی تو این بود که اسلام آنها را نپذیری و عذر آنها را قبول نکنی، اما با این حال خداوند از این که خلاف وظیفه عمل کردی و مرتکب گناه شدی، تو را می‌بخشد!!! آیه در مقام تجلیل از پیامبر است که چگونه به اقتضای کامل بودنش عمل می‌نماید.
- از این رو، علامه در اینجا تعبیر عجیبی دارند. می‌فرمایند: کسانی که به این آیه تمسک می‌کنند تا خطا و گناه را در مورد پیامبر ثابت نمایند، قرآن را بازیچه قرار داده‌اند. این دور افتادن از قرآن است و باید نام آن را لعب نهاد نه تفسیر.

آیات نفی عصمت

- اگر آنچه پیامبر کرد، گناه باشد، زندگی پیامبر پر است از این گونه گناهان. پیامبر تا آخر عمرش هیچ گاه مقابل منافقان و کاذبان نفرمود: شما دروغ می گوئید و در دل با ما نیستید. بعد از فتح مکه، بسیاری چون سلطه‌ی پیامبر و قوت اسلام را دیدند، اسلام اختیار کردند و پیامبر اسلام آنها را پذیرفت.

آیات نفی عصمت

- تعابیری چون «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران)» و «اذن خیر لکم» اشاره به همین روحیه‌ی خاص پیامبر دارد. پیامبر نه فقط در مقابل مؤمنان و مخلصان که در مقابل منافقان و مشرکان نیز برخوردی نرم و مهربانانه داشت.

آیات نفی عصمت

- لازم است یادآور شویم تعابیری چون عفا الله عنک که در مقام دعا است در میان اعراب رایج بوده و چیزی عادی به حساب می‌آمده است. در روایات هم نظیر همین دعاها را شاهد هستیم.

آیات نفی عصمت

- مثلاً راوی نزد حضرت می آید و قبل از طرح سؤال خویش خطاب به امام می گوید: اصلحک الله (خدا اصلاحت کند). یقیناً راوی که از مقام امام باخبر است و برای پاسخ پرسش خویش نزد معصوم آمده است، نمی خواهد با این بیان از خدا اصلاح امام را طلب کند. بلکه او از تعبیری استفاده کرده که در مقام دعا برای اشخاص به کار رفته است - چیزی شبیه خدا خیرت دهد، خدا حفظت کند و... که ما در زبان فارسی به کار می بریم - .

آیات نفی عصمت

- چه بسا اتفاق می افتد که ما در مقابل کسی که افراد ناباب را از روی مهربانی و دلسوزی گرد خود جمع می کند تا بلکه هدایت شوند، تعبیر خدا خیرت دهد را به کار می بریم. مقصود ما این نیست که وی کار اشتباهی می کند، اینها که هدایت نمی شوند، چرا او به خود زحمت می دهد و... بلکه با این عبارت ضمن تجلیل از او، به محبت و دلسوزی او اعتراف می کنیم.

آیات نفی عصمت

• ب. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا (۱) لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲) وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (۳)». الفتح (۱-۳)

• معنای ظاهری اولی آیه این است که خداوند گناهان مقدم و مؤخرت را ببخشد. گویا پیامبر قبل از نزول آیه مرتکب گناهانی شده و بعد از نزول آیه نیز مرتکب گناهانی خواهد شد و خداوند اراده کرده تا آنها را ببخشد.